

## تأملاتی

# در حاشیه و متن یک بیماری همه گیر



## (۲)

زیگمونت باومن در گفت‌وگویی با گاردین می‌گوید وضعیت ما در دنیای معاصر وضعیت مسافران هواپیمایی است که متوجه می‌شوند کسی در کابین خلبان نیست و باند فرودگاه هم در دست احداث است!

## (۲)

گفته می‌شود نخستین مورد مرگ بر اثر ویروس کرونا در ایران در تاریخ ۲۴ بهمن‌ماه مشاهده شد. اما نخستین مرگ بر اثر کرونا در کشور در تاریخ یکم اسفندماه به‌طور رسمی اعلام شد. این هفت روز اختفای خبر تأثیر ویرانگری بر امواج بعدی گسترش بیماری و مرگ ناشی از آن داشته است. این بار نیز دولت به دست خود تیشه به ریشه‌ی اعتماد اجتماعی زد.

## (۳)

واکنش دولت به گسترش بیماری از همان جنس واکنش آن به تمامی بحران‌های سال‌های اخیر بود. ابتداء، انکار و سپس کم‌اهمیت شمردن آن. در حالی که این بار انکار و کم‌اهمیت شمردن در حکم دامن زدن به شیوع هرچه بیش‌تر بیماری و افزایش قربانیان احتمالی آن است. اصولاً طی چند سال اخیر دولت در ایران بیش از آن که دارنده‌ی انحصاری قدرت اعمال قهر باشد، دولت را به اعمال قهر منحصر کرده و بسیاری از

وظایف خود را از یاد برده است. از این روست که در برابر شیوع یک ویروس در بدو امر این گونه به ناکارآمدترین شیوهی ممکن عمل کرده است.

#### (۴)

احتمالاً نقطه‌ی صفر و عزیمتگاه ویروس از ایران شهر مذهبی قم بوده است. از آن جا که این شهر کانون استقرار گزیدگان سیاسی کشور است در نخستین روزها و در بدو امر شاهد ابتلای برخی مقامات و وابستگان شان به ویروس کرونا بودیم. اما امواج بعدی پراکندگی این بیماری به تدریج از همان الگوی متعارف توزیع بحران در کشور تبعیت می‌کند. یعنی در صورت عدم مهار بیماری، شاهد نقطه‌ی اوج بحرانی در آن دسته از مناطق خواهیم بود که شاهد هم‌پوشی فقر، توسعه نیافتگی فضایی و انواع ستم غیراقتصادی هستیم.

مانند سایر بحران‌ها، در سلسله مراتب اجتماعی پایین‌ترین سطوح هرم بیش از همه آسیب پذیرند. در بدو امر میلیون‌ها مزدبگیر در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور که بخش عمده‌ی آنان بی‌ثبات کار و ناگزیر به حضور در محل کار و مبادرت به کار در هر شرایطی هستند در برابر امواج گسترش این بیماری شکننده و آسیب پذیرتر هستند. اما نگران کننده‌تر از آن به حاشیه رانده شدگان اقتصادی و اجتماعی دهه‌های اخیر، دستفروش‌ها، کودکان کار، بی‌سرپناهان، زباله گرد‌ها، و گروه‌های اجتماعی از این دست هستند. آنان نه به امکانات پیشگیری دسترسی دارند و نه به امکانات درمان و نه زیست و معیشت آنان در مجموع توجه حاکمان محلی از اعراب دارد.

## (۵)

گسترش سریع این ویروس، دولتی که ابتدا به انکار آن دست زد و سپس به کم‌اهمیت شمردنش، یک معضل بنیادی جامعه‌ی امروز ما را به روشنی نشان داد: ضعف و ناکارآمدی بخش عمومی. جهانی‌سازی همه را به هم پیوند زده و امروز اقتصاد، محیط زیست، بهداشت، امنیت، دانش و جز آن، مرز نمی‌شناسد. اما سیاست جهانی نشده و هنوز بهترین ابزار برای سیاست‌گذاری همان قالب دولت-ملت است؛ با تمامی کاستی‌هایش. بحران کنونی فرصتی است برای تأکید و تأمل دوباره بر اهمیت وجود بخش عمومی کارآمد.

دولت در زمینه‌ی مواجهه با این بحران عامل یا کنشگر اصلی است، و وظایف متعددی دارد که از عهده‌ی هیچ نهاد دیگری ساخته نیست، از اطلاع‌رسانی و تأمین مایحتاج مناطق قرنطینه‌شده، تا تجهیز و تخصیص بودجه برای اقدامات پیشگیری و درمانی. جایی که دولت ضعیف و ناکارآمدتر است یا اصلاً موجود نیست (مثل سوریه و یمن و غزه) بحران بسیار فاجعه‌بارتر خواهد بود.

در ایران، بخش عمومی طی چهار دهه‌ی گذشته به‌طور دایم ضعیف‌تر و ناکارآمدتر شده است. در شرایطی که هر روز بر سازوبرگ‌های سرکوب و ایدئولوژیک و بلندپروازی‌های ژئوپلیتیک دولت افزوده شده، سازوبرگ خدمت‌رسانی دولتی تضعیف‌تر شده است. این هم شاهد دیگری است از این که مشکل امروز ما نه بزرگ بودن یا کوچک بودن دولت بلکه نحوه‌ی تخصیص منابع و اولویت‌های آن است.

## (۶)

در برابر دولت، جامعه‌ی هراس‌زده، بلا تکلیف و فاقد هر گونه ابتکار و قدرت عمل، دیگر معضل بنیادی امروز ما را نشان داد: ضعف و بی‌جانی جامعه‌ی مدنی. تا امروز شاهد هیچ ابتکار مؤثری از سوی جامعه در برابر گسترش این بیماری همه‌گیر نبوده‌ایم. ضعف جامعه‌ی مدنی در ایران امروز دلایل مشخص و ساختاری در سپهر قدرت دارد، اما در چنین شرایط بحرانی‌ای روشن می‌شود که چه‌گونه این ضعف تهدیداتی را که کل فابریک اجتماعی را در برمی‌گیرد دو صد چندان می‌کند.

در گام نخست، باید اعتماد اجتماعی وجود داشته باشد. اعتماد کالای کمیابی است، سخت ساخته می‌شود و زود از بین می‌رود. ساخت و حفظ این کالا نیازمند اراده‌ی سیاسی مستمر است. می‌شود نمونه‌های متعددی ذکر کرد که دولت ایران اعتماد عمومی را در این سال‌ها تخریب کرده، و آخرین نمونه‌ی آن نیز همین انکار اولیه‌ی شیوع کرونا در ایران و اندکی پیش از آن انکار شلیک موشک به هواپیمای مسافربری بود. نخستین گام برای تکوین و توسعه‌ی جامعه‌ی مدنی اعتمادزایی اجتماعی است. اما آیا اساساً در چنین شرایطی چنین اراده‌ای در دولت برای این امر می‌توان جست‌وجو کرد؟

جامعه‌ی ایران بارها ظرفیت خود را در شرایط بحرانی نشان داده است. فداکاری پرستاران، مددکاران، و پزشکان در سراسر کشور نشانه‌ای از این همبستگی اجتماعی است. در یک قرن گذشته، جامعه‌ی ایران پیشرفته‌تر شده است. استفاده از توان بالقوه بالای این جامعه تنها با میدان دادن به تشکل‌های مدنی میسر است.

## (۷)

بحران کرونا را باید در بطن بحران‌های ساختاری‌تر اقتصاد و اجتماع امروز ایران مشاهده کرد. در حوزه‌ی عوامل بحران‌زا ما با ماتریسی از تعامل ریسک‌های ویرانگر ساختاری، زیست‌محیطی، طبیعی، ژئوپلتیک، تحریم‌های مالی و اقتصادی، حکمرانی ناکارآمد و انواع ریسک‌های اجتماعی مواجه‌ایم. دولت را باید ناگزیر ساخت دست‌کم اقدامات عقلانی اولیه برای مقابله با همه‌گیری ویروس را به اجرا درآورد.

## (۸)

اگر مشکل کرونا، مشکل جهانی است، راه‌حل آن نیز جهانی است. برای مقابله با آن نیاز به راه‌های جهانی هست و این هم منوط به اعتمادسازی متقابل این‌بار میان دولت‌ها است. اما در جهان بحران‌زده و بدتر از آن خاورمیانه‌ی ازهم‌گسیخته‌ی امروز اساساً همکاری‌های بینادولتی برای مهار بحران‌هایی از این دست شدنی است؟

## (۹)

شاید شکل دقیق این بحران قابل پیش‌بینی نبود، اما خطر تبدیل بیماری‌ها به یک معضل جهانی در دنیای معاصر پدیده‌ای قطعی و تکرارشونده است. از این منظر این بحران قابل پیش‌بینی بود. اولین مورد نیست. آخرین هم نخواهد بود. باید برای این قبیل بحران‌ها آماده باشیم. آمادگی هم در سطح فردی ممکن نیست چون شکل دقیق هر بحران را نمی‌دانیم. باید جامعه را تقویت کرد و از بخش عمومی کارآمد برخوردار بود.

## (۱۰)

به تمثیل باومن در بند اول این یادداشت باید افزود که خود هواپیما هم بالش شکسته، بیرون هم توفان است، و تازه در این بلبشو عده‌ای هم در رؤیای سقوط هواپیما هستند.

در چنین شرایطی قبل از هرچیز باید سقوط را به فرود آرام بدل کنیم و آن‌گاه است که می‌توانیم به کنشگری برای ایجاد جهانی مبتنی بر برادری ملت‌ها و برابری و آزادی ابعادی تازه ببخشیم.